

لطیفه‌های شیرین و بانمک

www.ketabir.ir

حسن شکری پینوندی

شکری، حسن، ۱۳۴۹ -

لطیفه‌های شیرین و بانمک / مؤلف حسن شکری. - قم: نیلوفرانه، ۱۳۹۰.

۱۱۲ص

ISBN:978-600-5932-27-0

۱۸۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص. ۱۱۲، همچنین به صورت زیرنویس.

۱. لطیفه‌های فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها. ۲. طنز فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها.

۳. لطیفه - مجموعه‌ها. الف. عنوان.

۸۵۸/۲۶۲

PIR ۴۳۲۷/م ۳/۸۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شناسنامه

نام کتاب: لطیفه‌های شیرین و بانمک
نویسنده: حسن شکری پینوند
ناشر: نیلوفرانه
چاپخانه: بقیع
نوبت چاپ: اول
سال انتشار: ۱۳۹۰
تیراژ: ۵۰۰۰
شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۹۳۲ - ۲۷ - ۰
قیمت: ۱۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش:

قم، خیابان سمیه، کوچه ۴۰، پلاک ۱۶، انتشارات نیلوفرانه

تلفن: ۷۷۴۱۸۳۳ / همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۷۶۹۱

کرج، بلوار امام زاده حسن، مقابل مصلاهی نماز جمعه

همراه: ۰۹۱۲۱۶۲۶۰۴۶ آقای نورداد

ایلام، خیابان آیت الله حیدری، جنب پمپ بنزین بی طرف،

مطبوعاتی جام جم، همراه: ۰۹۱۸۳۴۱۵۷۷۱ - ۰۹۳۵۹۰۹۳۷۲۰

آقای لطفی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۷	پیش گفتار
۲۳	جوری جهنم
۲۳	خاطره خوش
۲۳	حماقت
۲۴	نماز وحشت
۲۴	مرگ زودرس
۲۴	پا به هوا
۲۵	زن با ارزش
۲۵	ستاره آسمون
۲۵	دلیل درمان
۲۶	اعمال شاقه
۲۶	شونزده
۲۶	کوک ساعت
۲۷	اشغری
۲۷	زن مردم
۲۸	پلاک ماشین
۲۸	بله دو آتشه

۲۸	خرابی تعطیلات.....
۲۹	شکار پلنگ.....
۲۹	نامهٔ نانوشته.....
۲۹	رژیم.....
۳۰	معالجهٔ مرگبار.....
۳۰	خط قرص.....
۳۰	مجازات صدام.....
۳۰	الشِّکْمَبه.....
۳۱	پس فردا.....
۳۱	دوست دختر.....
۳۱	جراحی لرزشی.....
۳۲	شادروان.....
۳۲	بَلَوَات.....
۳۲	بازیکن اخراجی.....
۳۳	جاگذاری.....
۳۳	کمتر از الاغ.....
۳۳	بلیط‌های پاره.....
۳۴	مسئول محترم.....
۳۴	پارک.....
۳۴	پیشروی.....
۳۵	فتوکپی برابر اصل.....

۳۵		رَمی جمرات
۳۵		شنای اعدامی
۳۶		لیوان عجیب
۳۶		شنا نمی دانم
۳۷		دکتر صبور
۳۷		قصد فروش
۳۷		سیگار
۳۸		عمل تشریح
۳۸		نازایی موروئی
۳۸		کِرْمو
۳۹		جراح ماهر
۳۹		سؤال
۳۹		مرد عوضی
۴۰		برگشتی
۴۰		بلای فراموشی
۴۰		کیک آتشین
۴۱		لیست گدایان
۴۱		هدیه تولد
۴۱		افسردگی ماری
۴۲		بچه فیل
۴۲		شتر مرغ

۴۲	خواهر میمون.....
۴۳	زن و اژدها.....
۴۳	شعر تگری.....
۴۳	داله.....
۴۴	کار و کاسبی.....
۴۴	تبرئه.....
۴۴	علت دستگیری.....
۴۵	اعجاز خربزه.....
۴۵	جشن مُشت‌زنی.....
۴۶	پیراهن گل گلی.....
۴۶	جنس کت.....
۴۷	پیامبر خوش ذوق.....
۴۷	فراری.....
۴۷	پوست کلفت.....
۴۸	مسابقه کشتی.....
۴۸	نزول عذاب.....
۴۹	درگیری.....
۴۹	درس خوان‌ها.....
۴۹	افسانه آفرینش.....
۵۰	حفظ جا.....
۵۰	رفته هستیم.....

۵۱	 نماز تجاری
۵۱	 زیر صفر
۵۱	 عقد مادر
۵۲	 میل مبارک
۵۲	 پهن تر
۵۲	 قطع و وصل
۵۳	 شیر یا خط
۵۳	 خیساندن
۵۳	 تقسیم کار
۵۳	 کارنامه
۵۴	 فقط دو تجدید
۵۴	 پدر شکرگزار
۵۴	 عمل مخلصانه
۵۵	 جایزه بزرگ
۵۵	 آرزوی خسیس
۵۵	 جیگر
۵۵	 قد کشیدن بابا
۵۶	 نام زن ابلیس
۵۶	 وسط حرف
۵۷	 خواب نیمه صادق
۵۷	 پنج دقیقه نوری

۵۷	چمنِ قورمه.....
۵۸	بهشت سکوت.....
۵۸	خوراک زبان.....
۵۸	آبگوشت.....
۵۹	بچه حوا.....
۵۹	جواب دیپلماسی.....
۵۹	چاقوکشی.....
۶۰	چای داغ.....
۶۰	من هم دارم.....
۶۰	کابوس.....
۶۱	زنبورهای مامانی.....
۶۱	جایگاه والا.....
۶۱	دُم بریده.....
۶۲	سوسک افسرده.....
۶۲	کتاب آشپزی.....
۶۲	نابکار.....
۶۳	خاطره جالب.....
۶۳	پدربزرگ.....
۶۳	بهای تصاعدی.....
۶۴	بوسه.....
۶۴	خویش و قوم.....

۶۵	 سلام نظامی
۶۵	 کارت ویزیت
۶۶	 خبر خوش
۶۶	 خلأ دردناک
۶۶	 تن سالم
۶۷	 مدح دروغین
۶۷	 فضله طاهر
۶۷	 تنفس با اعمال شاقه
۶۸	 شوهر یا آقا
۶۸	 هذیان
۶۸	 یه ذره عشق
۶۹	 درب های بهشت
۶۹	 عاق والدین
۶۹	 استماع
۷۰	 خود ساخته
۷۰	 داماد میمون
۷۰	 شوهر بی نظیر
۷۱	 برگ عیش
۷۱	 اعتقاد به طبیب
۷۲	 کله گنجشکی
۷۲	 خاک نرم

۷۲	خرید جوراب.....
۷۳	بی مغزی.....
۷۳	قسم به کاپشن.....
۷۳	مادر بی سواد.....
۷۴	آدم بی فکر.....
۷۴	مُجَرَّب.....
۷۵	عیادت جنازه.....
۷۵	روماتیسیم.....
۷۵	تشکر از دکتر.....
۷۶	مقواویج.....
۷۶	دل‌داری.....
۷۶	نوار مغز.....
۷۷	نامه نارس.....
۷۷	بچه اژه.....
۷۷	معلم جغرافی.....
۷۸	لوله کشی.....
۷۸	بیل.....
۷۸	دیوار نامرئی.....
۷۹	خیال باطل.....
۷۹	سفارش دکتر.....
۷۹	پنجه گربه.....

۸۰	 دیوار رنگی
۸۰	 شاخ و شیر
۸۰	 مسأله تحقیقی
۸۱	 دختر صد ساله
۸۱	 تغار نفیس
۸۲	 زاهد
۸۳	 دماغ تماشایی
۸۳	 خوشنویس
۸۴	 خونبهای اندک
۸۴	 مطالعه روزنامه
۸۵	 اتاق خواب گاوی
۸۵	 آموزش شنا
۸۵	 بچه تهرون
۸۶	 رهایی
۸۶	 لگدمالی
۸۶	 رضایت از زن
۸۷	 پدر شجاع
۸۷	 فرق گاو و خر
۸۷	 انفجار شکم
۸۸	 نگهبان
۸۸	 فضولی

۸۹	زهرمار
۸۹	پروفسور
۸۹	بی‌نظمی
۹۰	جگر سوز
۹۰	واگیردار
۹۰	در فکر دیگران
۹۱	خرج نهایی
۹۱	گرانی بنزین
۹۱	پدر خوشبخت
۹۲	خورش خالی
۹۲	نصیحت
۹۲	گرگوری
۹۳	خیال بی‌جا
۹۳	قاطر قیمتی
۹۳	تحریم
۹۴	آدامس خروس‌نشان
۹۴	مردان بزرگ
۹۴	جهنم بی‌دردسر
۹۵	قاتل
۹۵	لباس فروشی
۹۸	نما

۹۶	آدم جدی.....
۹۶	برادر دانشگاهی.....
۹۷	گدای گرسنه.....
۹۷	بی کار.....
۹۸	شیفت شب.....
۹۸	رخت کن.....
۹۸	خاطره.....
۹۹	ابوالقا.....
۹۹	زن هزارپا.....
۹۹	باستان شناس.....
۱۰۰	شعر منثور.....
۱۰۰	کوری بهاری.....
۱۰۰	چای کم رنگ.....
۱۰۱	طفلی.....
۱۰۱	بدبختی بزرگ.....
۱۰۱	درس عبرت.....
۱۰۲	کنگر و لنگر.....
۱۰۳	همجنس.....
۱۰۳	ادّعای خدایی.....
۱۰۳	ضرب ناقابل.....
۱۰۴	وفات سعدی.....

۱۰۴		موقع مناسب
۱۰۴		کنتور دوبا
۱۰۵		نصف النهار
۱۰۵		کُت ایدری
۱۰۵		تخم مرغ نیم پز
۱۰۶		جنگل
۱۰۶		دار و ندار
۱۰۶		فوتبال
۱۰۷		نبض مریض
۱۰۷		دهن کجی
۱۰۸		شهر ارواح
۱۰۸		خرچنگ قورباغه
۱۰۹		قید حیات
۱۰۹		داروی فرار
۱۰۹		فاعل
۱۱۰		موشی
۱۱۰		چوب ماهیگیری
۱۱۱		درِ شیشه
۱۱۱		عاقبت نخست وزیری

پیش گفتار

مقوله مطایبه طنز، شوخی و مزاح یکی از نیازهای زندگی بشر است؛ به ویژه بشر امروز که درگیر مشکلات گوناگون و زندگی ماشینی است. افرادی که عبوسند و چهره‌ای گرفته دارند در ارتباط با دیگران و رفع نیازهایشان دچار مشکل می‌شوند. به قول شاعر:

نیست ایمن ز بلا هر که گره پیشانی است

سنگ بر سر خورد آن پسته که خندان نبود

مقوله مطایبه و مزاح نه تنها با اخلاق اسلامی منافاتی ندارد، بلکه در روایات معتبر نیز مورد سفارش واقع شده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «کسی که مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و کسی که مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.»

(اصول کافی ۲ / ۱۸۸). امام باقر علیه السلام می‌فرماید: یعنی «محبوب‌ترین عمل نزد خدا، وارد کردن شادی در دل افراد مؤمن (و مسلمان) است». (محاسن ۲ / ۱۴۳).

بزرگان دین و معصومین علیهم السلام هر یک به اندازه کافی از روحیه ادخال سرور و شادی در قلب مؤمنان برخوردار بوده‌اند. البته مزاح‌هایشان با تقوا همراه بود؛ یعنی مثلاً مزاح را با دروغ، اذیت، توهین و... مخلوط نمی‌کردند. (پیامبر (ص): إِنِّي لَأَمْزَحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا، من شوخی می‌کنم ولی بجز حق نمی‌گویم.) به عنوان نمونه آورده‌اند: روزی صفیه عمه پیامبر که پیرزنی بود ضمن صحبت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست کرد که در حق او دعا فرماید تا آمرزیده شده و به بهشت برود. حضرت بلافاصله فرمود: «اصلاً پیرزن‌ها به بهشت نمی‌روند!» صفیه که این جمله را شنید، نگران شد و گریه کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبسمی کرده و فرمود: نگران نباش؛ منظورم این است که پیرزنان مؤمن، اول جوان شده، آنگاه به بهشت می‌روند. صفیه آنگاه که این سخن را شنید، خوشحال شد. (زهرالریع ۷ / ۷).

از نظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام چون انسان آن اندازه ثروت و دارایی ندارد که بدان وسیله مردم را از خود خوشنود و راضی

نگاه دارد، پس لازم است با چهره و برخوردی نیکو، آنان را از خود راضی بگرداند.

علمای بزرگ اسلام نیز پیرو سنت حسنه مطایبه، و مزاح بوده و لطایف بسیاری از آنان نقل شده است. (به عنوان نمونه ر.ک: صفحه ۲۷۲، لطیفه ۵۸۱).

نکته مهم این است که گوینده، لطیفه‌ای بگوید که به اصطلاح با هم بخندند نه به هم. ما در این مجموعه از آوردن لطیفه‌هایی که به قوم یا اسم خاصی اشاره می‌کند، خودداری کرده‌ایم. بعضی‌ها برای این که هر گونه لطیفه را به قوم خاصی نسبت دهند، با آوردن کلماتی مانند کافر و... توهین‌آمیزترین لطایف را بیان می‌کنند؛ غافل از این که این عمل از قباحات کارشان نمی‌گاهد و تنها خود را گول می‌زنند و آنان نیز همچنان مشمول حکم حرمت غیبت هستند.

در خاتمه توجه خوانندگان گرامی را به نکاتی چند جلب می‌کنیم:

۱. لطایف قرآنی را در این مجموعه نیاورده‌ایم تا شأن و حرمت آن محفوظ بماند.

۲. واقعاً سعی ما بر آن بوده که لطایف خنده‌دار را در این

مجموعه بیاوریم؛ یعنی مجموعه حاضر دستاورد مطالعه صدها لطیفه بوده که آن را گلچین کرده و لطایف خنده‌دار را انتخاب نموده‌ایم و اگر در عین حال، با لطیفه‌های بی‌مزه‌ای هم در این مجموعه برخورد کردید، باور کنید که این گونه لطایف در برخی مواقع خنده‌دارتر از لطیفه‌های بامزه است. اگر این گونه لطیفه‌ها بعضی را به خنده نیاورد، یقیناً بعض دیگر را از خنده روده‌بر می‌کند؛ چون سلايق مختلف است و طبایع متفاوت. (شوخی طبعی گفته «اگر دوستی برای لطیفه خنک و بی‌مزه‌ای گفت و خنده‌دار نبود، با صدای بلند بخند؛ چون ممکن است گمان کند که لطیفه را خوب نفهمیده‌ای و دوباره برای تعریف کند. مگر نه این است که آدم گر، وقتی لطیفه‌ای برایش تعریف شود، دوبار می‌خندد و بار دوم موقعی است که لطیفه را می‌فهمد و از آن، خنده‌اش می‌گیرد.»)

۳. اصولاً مسخره کردن مردم، کاری جاهلانه است؛ همان گونه که این مطلب از آیه ۶۷ سوره مبارکه بقره بدست می‌آید. لذا لطیفه تعریف کردن، نباید به قصد تمسخر افراد و گروه‌ها باشد.

۴. لطایفی که به شخص خاصی کنایه نزده و مخاطبش گروه خاصی مانند پزشکان، قاضیان، مادرزن‌ها، پیرزنان، عروس و

دامادها و... است، ذکرش خالی از لطف نیست و اگر در این حد نیز از ذکر لطیفه خودداری شود، دایره لطیفه بسیار محدود می‌شود. ذکر این گونه لطایف به جهت ایجاد روحیه شادی در افراد است؛ علاوه بر این که رسالت طنز نیز این است که ناهنجاری‌های اجتماعی را در قالب لطیفه بیان نماید؛ زیرا در برخی از موارد، نویسندگان و گویندگان یک رشته مطالب انتقادی و پندها و اندرزها را در قالب لطیفه ریخته و جامه طنز بر آن می‌پوشانند تا از ابتدال و تلخی پند و نصیحت بکاهند و به قول شیخ اجل سعدی: «داروی تلخ نصیحت، به شهد ظرافت برآمیزند و چراغی تابان از معنی و حقیقت، فرا راه مردمان بدارند». به بیان دیگر می‌توان گفت که طنز سالم خود یکی از شیوه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به تمام آنچه عرض شد، در عین حال اگر عده‌ای از گروه‌های مذکور به خاطر کمی ظرفیت یا به هر دلیل دیگر از این گونه لطایف رنجیده شوند، همین جا از آنان عذر خواسته و دوام توفیقاتشان را از درگاه خداوند بخشایشگر خواستاریم.

۵. برای این که به اسامی توهین نشده و صاحبان اسامی نیز ناراحت نشوند، در لطیفه‌ها از عناوین کلی استفاده کرده و نام

خاصی را نبرده‌ایم؛ مثلاً به جای اسم سعید از واژه‌هایی مانند «مردی»، «شوهری»، «شاگردی»، «محصلی»، «شخصی»، «پسری»، «مردی»، «دانش‌آموزی» و... استفاده کرده‌ایم.

در پایان لازم به ذکر است که اگر در برخی از لطیفه‌ها احساس شود که به طور ناخواسته به فرد یا گروهی توهین شده، در همین جا معذرت خواهی خود را اعلام می‌کنم و یقین بدانند که عمدی در کار نبوده است؛ یعنی هدف، توهین نبوده است. خداوند همه را مورد لطف و بخشش خود قرار دهد.

امیدواریم همیشه چهره‌ای خرم و خندان داشته باشید.

والسلام

قم مقدّس، اردیبهشت ۱۳۸۹

انتشارات نیلوفرانه